

## نقد برداشت کلامی سیف‌الدین آمدی از آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت علیهم‌السلام در «ابکار الأفكار»\*

\*\* علی نوری

\*\*\* سیدحسین سیدموسوی (نویسنده مسئول)

\*\*\*\* محمدجواد عنایتی‌راد

### چکیده

«عصمت» مهم‌ترین شرط امامت از نظر شیعه می‌باشد؛ تعدادی از آیات قرآن به عنوان ادله اثبات عصمت ارائه می‌شود که «آیه تطهیر» یک از این آیات است. اندیشمندان مختلف با رویکردهای گوناگون، تفاسیری از آیه ارائه کرده‌اند. «سیف‌الدین آمدی» از جمله عالمانی است که با رویکردی کلامی خوانشی از این آیه ارائه کرده است. وی در کتاب «ابکار الأفكار» برای رد عصمت حضرت زهرا علیها‌السلام دلالت آیه بر عصمت را رد می‌کند. متکلمان اشعری پیش از او کسی از آیه تطهیر در رد و یا اثبات عصمت نپرداخته است. همچنین روشی که او استفاده کرده جدید بوده و پاسخی هم به آن داده نشده است. اهمیت مسئله امامت، جایگاه مهم عصمت در مسئله امامت، بی‌پاسخ بودن خوانش آمدی از آیه، روش او برای اثبات ادعای خود و نفی دلالت آیه بر مسئله عصمت ائمه علیهم‌السلام بررسی و نقد نظرات او در این زمینه را ضروری می‌نماید. از این رو این در این نوشتار سعی بر این بوده است که با رویکرد نقد متن به نقد خوانش «آمدی» از آیه پرداخته شود. در این راستا ابتدا اهتمام به خوانش دقیق «آمدی» از آیه تطهیر و نحوه استفاده او برای رد عصمت، بوده است و در گام بعد با تکیه بر مجموعه‌ای از ادله درون‌متنی و برون‌متنی به نقد نظر وی پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** عصمت، اراده تکوینی، اهل‌البیت علیهم‌السلام، رجس، آیه تطهیر، سیف‌الدین آمدی، ابکار‌الفکار.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳- تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷- نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

\*\* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه گنبدکاووس/

nouri@gonbad.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد/ hmosavi@um.ac.ir

\*\*\*\* استادیار و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد/ enayati-m@um.ac.ir

همان طور که امامت یکی از مسائل بسیار مهم و پرچالش در طول تاریخ اسلام بوده، عصمت هم که یکی از شرایط امامت دانسته شده، از مباحث مهم این زمینه است. مذهب امامیه خوانش خود از عصمت انبیاء و ائمه علیهم السلام را دارد (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۲: ۲/ ۲۵۳-۲۵۰؛ مفید، ۱۳۷۱: ۱۳۱-۱۲۷؛ علامه حلی، ۱۳۷۹: ۱۱۴-۱۱۳ و ۱۲۱-۱۲۰؛ محقق حلی، ۱۳۷۳: ۲۰۹-۱۹۸) که همواره مورد انتقاد کلامیان اهل سنت بوده و به طول متقابل پاسخ‌هایی از سوی شیعه به این نقدها داده شده است. شیعه امامیه عصمت را بر اساس ادله، مستندات و منابع متعددی اثبات می‌کند، از جمله این ادله استناد به آیاتی از قرآن کریم از جمله «آیه تطهیر» می‌باشد. شیعه با بهره‌گیری از ادوات حصر «ائما»، اراده تکوینی خداوند، منظور از اذهاب رجس دفع هر رجس است و اینکه مصداق اهل بیت، اصحاب کساء هستند به عصمت اهل بیت علیهم السلام معتقد شده‌اند.

سیف‌الدین آمدی<sup>۱</sup> از متکلمان اشعری به مناسبتی درباره عصمت حضرت زهرا علیها السلام به رد دلالت آیه بر عصمت اهل بیت پرداخته و خوانش خود از آیه را ارائه کرده است.

۱. آمدی، سیف‌الدین ابوالحسن علی بن ابی‌علی بن محمد بن سالم تعلیبی (تعلیبی) (۶۱۳-۵۵۱ق)، متکلم، طیب، فقیه و اصولی از اشاعره می‌باشد. در شهر آمد، از منطقه دیاربکر که در ترکیه فعلی قرار دارد، به دنیا آمد. تمایلات فکری او فلسفی و کلامی بوده و شهرت وی نیز به تبحر در علم کلام و فلسفه است. عسقلانی او را «المتکلم» (عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ۳/ ۱۳۴)، ذهبی «المتکلم العلامه صاحب التصانیف العقلیه... و تفتن فی علم النظر» (ذهبی، بی‌تا: ۳/ ۲۱۰)، ابن خلکان «الفقیه الاصولی» (ابن خلکان، بی‌تا: ۳/ ۲۹۴)، ابن ابی‌اصیبیه «کَانَ اَذْكَى اَهْلِ رَمَّانَه وَاكْثَرَهُمْ مَعْرِفَةً بِالْعِلْمِ الْحَكْمِيَّة» (ابن ابی‌اصیبیه، بی‌تا: ۱، ۶۵۰) و سبکی «الاصولى المتكلم، احد اذكياء العالم» (سبکی، ۱۹۷۱م: ۸، ۳۰۶) و... یاد کرده‌اند.

همان گونه که از عناوین روشن است غلبه با عناوین کلامی و عقلی می‌باشد، آمدی از متکلمان بزرگ اشاعره و برخی او را از متکلمان بزرگ اسلام می‌دانند و معتقدند «بعد از آمدی دیگر کسی بدین رتبه و مقام نیامد که قابل ذکر باشد». (شبلی نعمانی، ۱۳۸۶: ۱/ ۶۵) وی تأثیر زیاد بر اندیشمندان بعد از خود داشته؛ کتاب «المواقف» ایچی که کتاب درسی مراکز علمی اهل سنت است، خلاصه و عصاره کتاب «ابکار

آمدی در عصمت انبیاء، نظر باقلانی را پذیراست و عصمت قبل از بعثت را رد، و برای بعد از بعثت هم، عصمت در قول را مشروط به یادآوری می‌داند. (آمدی، ۱۴۲۳ق: ۴/۱۴۳-۱۴۵)

وی هنگام بحث از اهلیت ابوبکر برای امامت، نقدهای شیعه به او را مطرح می‌کند؛ ندادن فدک به حضرت زهرا<sup>ؑ</sup> را از جمله مواردی که اهلیت ابوبکر را زیر سؤال می‌برد، می‌شمارد. او قول شیعه را این‌گونه نقل می‌کند که در تقابل حضرت زهرا<sup>ؑ</sup> با ابوبکر، به دو دلیل حق با حضرت زهرا<sup>ؑ</sup> بوده، به همین خاطر ابوبکر حق ایشان را غصب کرده لذا اهلیت ندارد؛ دلیل اول آیه ارث، و دلیل دوم هم تقابل ایشان با حضرت زهرا<sup>ؑ</sup> است. چون آن حضرت معصوم، و ابوبکر فرد عادی و غیر معصوم بوده، پس حرف معصوم مورد قبول و حرف دیگری مردود است. او می‌گوید اگر حضرت زهرا<sup>ؑ</sup> معصوم شد و ادعای ارث داشت، پس در ادعای خود صادق، و کسی که ارث را نمی‌دهد، ظالم است و اهلیت امامت و خلافت ندارد.

وی در ادامه برای رد عصمت حضرت زهرا<sup>ؑ</sup> به رد ادله شیعه در عصمت ایشان می‌پردازد. او می‌گوید ادله شیعه برای اثبات عصمت اهل بیت از قرآن و روایت پیامبر<sup>ﷺ</sup> است. در وجه مربوط به کتاب، آیه تطهیر را به عنوان آیه مورد استناد شیعه نام برده و به این مسئله می‌پردازد که آیه دلالت بر عصمت ندارد. (آمدی، ۱۴۲۳: ۵/۲۴۷)

«آمدی» دلالت آیه تطهیر را بر عصمت اهل بیت<sup>ؑ</sup> به طور مطلق نپذیرفته است؛ پیش از وی نیز از کلامیان اهل سنت، کسی آیه تطهیر را مورد بحث قرار نداده است. اشعری در «اللمع» و «مقالات الاسلامیین»، ابن حزم در «الفصل فی الملل»، غزالی در «الاربعین فی اصول الدین» و «الاقتصاد فی الاعتقاد»، فخر رازی در «الاربعین فی اصول الدین» و... اشاره‌ای به آیه مبارکه نداشته‌اند. حسب تتبع انجام شده، تا کنون خوانش «آمدی» از آیه تطهیر و استدلال و روش او در بیان اینکه آیه

الافکار» آمدی است. (آمدی، ۱۴۲۳ق: ۱/۱۲) جرجانی در «شرح المواقف»، تفتازانی در «المقاصد» و ابن تیمیه متأثر از اندیشه‌های او بوده‌اند.

دلالتی بر عصمت ندارد و از آن نمی‌توان عصمت ائمه علیهم‌السلام را برداشت کرد، مورد نقد قرار نگرفته است. از این رو این نوشتار بر آن است که ضمن ارائه دقیق خوانش آمدی از آیه و استدلال و روش وی، با ارائه ادله درون متنی و برون متنی، نقد سندی، متنی و تاریخی به نقد این خوانش بپردازد.

آیه تطهیر از گذشته مورد استناد متکلمان امامیه در عصمت اهل بیت بوده است، شیخ طوسی در تلخیص الشافی (طوسی، ۱۳۸۲: ۲/۲۵۳-۲۵۰) و سید مرتضی در «الشافی فی الامامه» برای عصمت به این آیه استناد کرده‌اند. (علم الهدی، ۱۴۰۷: ۱۳۷-۱۳۳/۳)

علامه حلی در «منهاج الکرامه فی معرفة الامامة» (علامه حلی، ۱۳۷۹: ۱۲۳-۱۲۰) و «نهج الحق و کشف الصدق» (علامه حلی، ۱۳۷۹: ۱۷۳-۱۷۵) آیه تطهیر را یکی از برهان‌های اثبات امامت امام علی علیه‌السلام نام می‌برد. بعضی از بزرگان معاصر نیز با تألیف کتاب، آیه را از زوایای گوناگون بررسی نموده‌اند.

آیت الله جوادی آملی در کتاب «تجلی ولایت در آیه تطهیر»، ضمن چهار بخش به تبیین آیه می‌پردازد. علامه عسکری در «آیه التّطهیر فی مصادر الفریقین»، آیه تطهیر را در منابع فریقین، و مباحثی مانند مکان اجتماع اهل بیت علیهم‌السلام، شرح الفاظ آیه و احتجاج کنندگان به آیه برای اثبات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را بررسی کرده است.

مرحوم فاضل لنکرانی در «آیه التّطهیر رؤیة مبتكرة»، در پنج نکته به مقصود از اراده، مقصود از اهل بیت و معنای رجس و شأن نزول آیه می‌پردازد.

«آیه التّطهیر فی احادیث الفریقین» نوشته سیدعلی موحد ابطحی، «پژوهشی در آیه تطهیر»، محمدمهدی آصفی، «اهل بیت در آیه تطهیر»، علامه سیدجعفر مرتضی عاملی و «آیه التّطهیر دراسة فی المدالیل والاهداف»، نوشته عبدالزّهراء عثمان محمّد کتاب‌های دیگر در این موضوع می‌باشند.

مقالاتی نیز آیه تطهیر را موضوع تحقیق قرار داده‌اند:

- «بررسی تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه علامه طباطبائی، حاکم حسکانی و رشیدالدین میبیدی»، نوشته محمداسماعیل صالحی زاده؛

- «واژه‌شناسی اهل و بررسی آن در آیه تطهیر با نظر به تفاسیر شیعه و اهل سنت»، نوشته کیوان احسانی؛

- «تحلیل و بررسی دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت علیهم‌السلام در نگاه مفسران شیعه و اهل سنت»، نوشته کاووس روحی‌برندق (نزدیک‌ترین اثر به این پژوهش)؛

- «اهل بیت و آیه تطهیر در تفاسیر مهم اهل سنت»، نوشته عبدالله جوان‌ملکوتی؛

- «مصونیت همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از خطا، راز هم‌جواری آیه تطهیر مربوط به ایشان»، نگاشته سیدحسین سیدموسوی؛

- «نقد و تحلیل ساختار ادبی و محتوایی آیه تطهیر»، نوشته ابراهیم ابراهیمی؛

- «مصدق اهل بیت علیهم‌السلام در آیه تطهیر با رویکرد به منابع اهل سنت»، نگاشته غلامرضا رحیمی و... که هر کدام با رویکرد و روشی آیه را مورد پژوهش و بررسی قرار داده‌اند.

هرچند پژوهش‌هایی درباره «آمدی» انجام شده است،<sup>۱</sup> ولی پژوهشی که دیدگاه وی را در موضوع عصمت و همچنین آیه تطهیر مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد، لذا از این جهت کاری نو و بدیع می‌باشد. منابع پیش گفته به خوانشی از آیه تطهیر و یا نقد نظر مفسران پرداخته‌اند و کسی نظر «آمدی» و خوانش او از آیه را نقد نکرده است، به همین دلیل پرسش‌ها و ابهاماتی درباره دلالت آیه بر عصمت، خوانش آمدی از آیه و استدلال او به گزاره‌های آیه برای رد عصمت و روش او در بیان معنای مد نظر خود از آیه باقی است که نیاز به بررسی و پاسخ گفتن دارد. پرسش‌هایی همچون اینکه چگونه سیف‌الدین آمدی از آیه برای رد عصمت ائمه علیهم‌السلام بهره برده است؟ آیا می‌توان خوانش او از آیه را نقد کرد؟ روش او در تفسیر آیه و بیان معنای مراد خود از آیه چیست؟ رویکرد آمدی در تفسیر آیه تطهیر چیست؟ آیا

۱. مانند:

- «نظری بر بعضی از اندیشه‌ها و سلوک فکری سیف‌الدین آمدی»، باقر گرگین؛

- «نبوت در نگاه سیف‌الدین آمدی با تکیه بر کتاب ابکار الافکار فی اصول الدین»، پایان‌نامه کارشناسی-

ارشد، سیدمحسن حق‌شناس؛

- «معرفی ابکار الافکار آمدی، دائرةالمعارف بزرگ کلامی»، محمد جاودان و...

باورهای کلامی او در تفسیرش از آیه تأثیر گذاشته یا خیر؟ و پرسش‌هایی از این نوع که در این نوشتار در پی پاسخگویی به آن هستیم.

برای طی این مسیر، ابتدا خوانش «آمدی» از آیه به طور دقیق بیان می‌شود تا مشخص شود رویکرد وی در تفسیر آیه چیست؛ پس از آن با مقایسه آنچه او بیان معنای گزاره‌های آیه بیان کرده نشان داده خواهد شد مبانی کلامی وی به چه میزان بر تفسیرش از آیه تأثیر گذاشته است و در انتها نیز با ارائه دلایل متعدد درون‌متنی و برون‌متنی خوانش او از آیه نقد خواهد شد.

### ۱. استدلال آمدی به آیه تطهیر

«آمدی» در فصل چهارم از اصل امامت کتاب «ابکار الافکار» که به اثبات امامت خلیفه اول همت می‌گمارد، نقدها و مطاعن او را ذکر می‌کند، روش وی این‌گونه است که در جایگاه شیعه، نقدهای فرضی را بیان، و در ادامه به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

وی در این قسمت هشت طعن بر خلیفه اول نقل کرده که او را از اهلیت برای خلافت ساقط می‌کند. نخستین آن‌ها، ظالم بودن خلیفه است و طبق آیه «الاینال عهدی الظالمین» (بقره: ۱۳۴) شخص ظالم برای امامت اهلیت ندارد.

اثبات ظلم خلیفه به دو وجه است؛ وجه اول کفر اوست، زیرا ابوبکر قبل از اسلام آوردن، کافر بود و طبق آیه «والکافرون هم الظالمون» (بقره: ۲۵۴) ظالم می‌باشد؛ و وجه دوم ظالم بودن او، ظلم به حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> است، زیرا در داستان فدک، خلیفه ظلم کرد و ارث حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> را غصب نمود.

آمدی دو شاهد و قرینه بر اینکه حضرت مستحق نصف ارث از ماترک پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> است می‌آورد؛ اول آیه «وان کانت واحده فلها النصف» (نساء: ۱۱) و دیگری عصمت فاطمه<sup>علیها السلام</sup> از خطا. آیه تطهیر و روایت «فاطمه بضعه منی» را دو دلیل بر عصمت حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> نام می‌برد. آمدی معتقد است شیعیان با استناد به آیه تطهیر قائل به عصمت اهل بیت هستند، حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> از اهل بیت بوده و معصوم است،

لذا ادعای مالکیت او بر فدک و ارث صحیح، و ابوبکر با ندادن ارث و حق حضرت، ظلم کرده و صلاحیت خلافت، امامت و جانشینی پیامبر اکرم ﷺ را ندارد.

### ۱. ۱. تقریر نظر شیعه توسط آمدی درباره عصمت اهل بیت علیهم السلام

آمدی آیه تطهیر را منت، نعمت و مایه بزرگی اهل بیت دانسته و این در صورتی تمام و کامل می شود که هرگونه رجس و پلیدی از آنان دور باشد، در غیر این صورت ثمره و فایده ای ندارد، چون با بقیه افراد شریک و شبیه می شوند. لذا باید اهل بیت و حضرت زهرا [ع] که از اهل بیت است، به طور مطلق معصوم از خطا باشند. (آمدی، ۱۴۲۳ق: ۲۳۶/۵)

سیف الدین در اینکه حضرت زهرا [ع] از اهل بیت است تردید ندارد، لیکن دایره و گستره آن را شامل همسران و بستگانی از پیامبر ﷺ می داند که قطعاً معصوم نبوده اند و نتیجه می گیرد آیه، عصمت اهل بیت را نمی رساند، زیرا اشخاصی مانند عباس، جعفر و دیگرانی که از اهل بیت هستند به اتفاق و اجماع، معصوم نیستند، بنابراین وقتی اهل البیت شامل افراد غیر معصوم شد، برداشت عصمت از آیه صحیح نیست.

آمدی در رد استدلال خودگفته و اثبات مدعای خود به روایتی از کتاب «زاد المسیر فی علم التفسیر» نوشته ابن جوزی (۵۹۲-۵۱۰ق)، از عایشه که توسط ضحاک نقل شده استناد می کند. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۳۸۳)

آمدی در این روایت افرادی مانند فاطمه، زینب، رقیه، ام کلثوم، علی، حسن، حسین، و جعفر و همسران پیامبر و بستگانش را شامل آیه دانسته و معتقد است آیه همه را به صورت یکسان دربر می گیرد، در حالی که اجماع داریم آیه اقتضای عصمت همسران، عباس و دیگر بستگان را ندارد، پس برای بقیه نیز همین گونه بوده و هیچ کدام از اهل بیت معصوم نیستند. (آمدی، ۱۴۲۳: ۵/۲۴۷)

### ۲. استدلال منطقی آمدی

ضروری است استدلال آمدی در انکار دیدگاه امامیه مورد واکاوی قرار گیرد تا زمینه بررسی صحت و سقم آن فراهم گردد. آمدی مدعی است چون برخی از

اهل بیت معصوم نیستند، نمی‌توان به عصمت هیچ‌یک از آن‌ها حکم نمود. استدلال آمدی در قالب شکل دوم از اشکال چهارگانه قیاس به صورت زیر تقریر می‌شود:

مقدمه اول: اهل بیت شامل حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> و غیر آن‌ها (از خاندان پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup>) می‌باشد.

مقدمه دوم: برخی از اهل بیت معصوم نیستند.

نتیجه: حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> و غیر ایشان معصوم نیستند.

آمدی برای اثبات مقدمه اول به حدیث ضحاک تمسک بسته که عایشه از رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> درباره مصادیق اهل بیت پرسید و حضرت با ذکر کردن افراد متعدد، عملاً ادعای شیعه را انکار نمود. وی برای اثبات مقدمه دوم نیازی به اقامه استدلال نمی‌بیند، زیرا از منظر او معصوم نبودن همه افرادی که ذکر شده است - به جز علی بن ابی طالب، حضرت زهرا و حسن و حسین<sup>علیهم السلام</sup> مورد اجماع و اتفاق همه فرقه‌ها و مکاتب فکری اسلامی است. بنابراین، با اثبات شدن دو مقدمه، نتیجه مذکور که دلالت بر عدم عصمت اهل بیت می‌کند، اثبات می‌شود.

## ۲. ۱. نقد منطقی استدلال آمدی

از آنجا که استدلال از صورت و ماده تشکیل شده است، در مقام نقد دیدگاه سیف‌الدین بُعد صوری استدلال او مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از نظر صوری استدلال آمدی گرفتار مغالطه است، زیرا علاوه بر اختلاف دو مقدمه در کیفیت، شرط دیگر انتاج شکل دوم، آن است که کبرای قیاس، کلی باشد. (منتظری مقدم، ۱۳۹۱: ۲۹۹) درحالی‌که همان‌گونه که مشاهده می‌شود این استدلال فاقد شرط دوم بوده و کبری جزئی است. بنابراین، قیاس مذکور از جهت منطقی عقیم است، ولی آمدی آن را منتج فرض کرده است.

در ماده قیاس نیز آمدی در بیان مصادیق ظلم، ظلم‌های بزرگتر را نیاورده، زیرا ظلم به حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> اختصاص به غصب فدک نداشت و بالاتر از آن غصب حکومت امام منصوح، معصوم و همسر او، تهدید و... بود که به هیچ‌کدام از آن‌ها



اشاره‌ای ندارد با اینکه طبق منابع موجود، قصه فدک بعد از غصه تهدید و احراق واقع شده است.

در منابع اهل سنت، مواردی از اعتراف به حرمت شکنی و تجاوز به خانه حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام یافت می‌شود. طبرانی می‌نویسد: ابوبکر به هنگام مرگ، اموری را آرزو می‌کرد و می‌گفت: «و ددت انی لم اکن اُکشف بیت فاطمه و ترکته؛ ای کاش حرمت خانه فاطمه را هتک نمی‌کردم و آن را به حال خود واگذار می‌کردم». (طبرانی، بی‌تا: ۱/ ۳۴) مسعودی و ابو عبیده نیز چنین عبارتی نقل می‌کنند. (مسعودی، ۱۴۲۵ق: ۲/ ۳۰۱؛ ابو عبیده، بی‌تا، ۱۴۴) آمدی اگر ظلم به حضرت زهرا علیها السلام را دارای اشکال می‌داند و خلیفه را از اهلیت خارج می‌کند، چرا این اعترافات را که حاوی ظلمی بزرگتر هستند نقل نکرده و فقط فدک را بیان کرده است.

### ۳. سند آمدی برای استدلال

آمدی بدون ذکر منبع و مأخذی روایتی از ضحاک نقل کرده است، اما از روایت و منابع معتبر نزد عامه دلیلی اقامه نکرده است.

#### ۳.۱. نقد سندی استدلال آمدی

نکته اول اینکه آمدی علی‌رغم فضل و تبجری که در علوم کلام، اصول، جدل و... دارد، در حدیث‌شناسی تبجری ندارد. سلیم بشری، تصریح می‌کند آمدی از علم حدیث دور است، و شرف‌الدین معتقد است فهم آمدی در حدیث مانند عوام است. (عاملی، ۱۳۹۰: ۱/ ۵۷۴-۵۷۳)

عدم تسلط او بر حدیث موجب شده تا روایت ضعیفی از عایشه به نقل ضحاک را مستند قرار دهد در حالی که روایات معتبری که سند قوی دارند، از ام سلمه و عایشه در صحاح و مسانید نقل شده که اهل بیت را انحصاراً اصحاب کساء می‌دانند. علامه عسکری سندهای حدیث کساء را از منابع اهل سنت نقل می‌کند (عسکری، بی‌تا: ۶۲-۱۷) و طبری در «دلایل الامامة» مدعی اتفاق مسلمانان در اختصاص آیه به اصحاب کساء است. (طبری‌آملی، ۱۴۱۳: ۲۱)

در «احقاق الحق» با ذکر روایات فراوانی از منابع اهل سنت اختصاص به پنج تن را تثبیت کرده است. (شوشتری، ۱۴۰۹: ۵۷۳/۲-۵۰۱؛ همان: ۱۴/۱۰۵-۴۰؛ همان: ۲۲/۲۹-۲) شامی، از اندیشمندان سنی معاصر ادعای اجماع امهات کتب اهل سنت و جمیع کتب شیعه را بر اینکه مراد از اهل بیت پنج تن هستند، دارد. (شامی، ۱۴۰۰ق: ۱۲۵)

در «زاد المسیر» این قول را به ضحاک نسبت می دهد، (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۴۶۳) یعنی این قول به پیامبر ﷺ و اصحاب و دیگر شخصیت های مورد اعتماد مستند نیست. ضحاک از تابعین است و خودش مستقیم به پیامبر ﷺ دسترسی نداشته و باید سلسله سند را بیان کند. آنچه قابل تأمل است در زادالمسیر که منبع آمدی است قول ضحاک «اهل پیامبر» و «ازواج» اوست، ولی آمدی در استدلال کسانی را نام برده که اصلاً در خود روایت هم وجود ندارند. (همان)

نکته دوم اینکه اصل انتساب این قول به ضحاک دارای اشکال است، زیرا با احادیث دیگر او متعارض می باشد. سیوطی می نویسد: ضحاک بن مزاحم نقل کرد که پیامبر ﷺ می فرمود: «ما اهل بیتی هستیم که خداوند آن ها را پاک گردانیده، همانان که درخت نبوت، جایگاه رسالت، محل رفت و آمد ملائکه، خانه رحمت و معدن علم هستند». (سیوطی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۵) هیچ کس ادعا نکرده که همسران پیامبر معصوم اند، پس وقتی ضحاک این حدیث را از پیامبر نقل می کند، نمی توان به ضحاک نسبت داد که وی همسران پیامبر ﷺ را از اهل بیت می داند. بر فرض که نظر ضحاک هم باشد، باز سخنی بی ارزشی است، زیرا شخصیت وی نزد رجالیان سنی مذهب نیز تضعیف شده است.

عده ای شاگردی اش نزد ابن عباس را نپذیرفته، و گفته اند حتی حضور هیچ صحابه ای را درک نکرده، یحیی بن سعید در مورد او می گوید: «ضحاک نزد ما ضعیف است». (ذهبی، ۱۳۸۲ق: ۲/۳۲۶) ابن عدی می نویسد: «ضحاک بن مزاحم إنما عرف بالتفسیر، فأما روایاته عن ابن عباس وأبی هریرة وجمیع من روی عنه، ففی ذلک کله نظر؛ ضحاک بن مزاحم به تفسیر شناخته شده، اما روایاتش از ابن عباس، ابی هریره و همه اشخاصی که از آن ها روایت می کند محل تردید

است». (همان) مزی نیز می‌نویسد: «لم یثبت له سماع من أحد من الصحابة؛ سماعی از هیچ یک از صحابه برای وی ثابت نشده است». (مزی، ۱۴۰۰: ۱۳/۲۹۲) خود ابن جوزی ضحاک را در کتاب «الضعفاء والمتروکین» نام برده است. (ابن جوزی، ۱۴۰۶: ۲/۶۰) بنابراین قول آمدی هیچ مستندی ندارد و دارای ارزش و اعتبار نخواهد داشت.

#### ۴. شاهد تاریخی برای استدلال

آمدی در استدلالش دلیل عدم اهلیت ابوبکر را از نگاه شیعه ظلم به حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> و مصداق ظلم را غصب فدک معرفی می‌کند.

##### ۴.۱. نقد تاریخی بر آمدی

آمدی در بیان مصداق ظلم می‌گوید چون ابوبکر ارث را نداد، ظلم واقع شد درحالی که نقد بر آمدی این است که در منابع معتبر، فدک، ارث و ماترک پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> نبود و در زمان حیات مبارکشان آن را به فرزندشان بخشیده بودند.

طبری می‌گوید: «فدک ملک خالص پیامبر بود، زیرا مسلمانان آن را با سواره و پیاده نظام نگشوده بودند». (طبری، ۱۴۰۳: ۲/۳۰۳) جلال‌الدین سیوطی می‌نویسد: «بزار و ابویعلی و ابن ابی حاتم و ابن مردویه از ابوسعید خدری روایت کرده‌اند که وقتی آیه «وآت ذالقریبی حقه» نازل شد، پیامبر فاطمه را طلبید و فدک را به او بخشید». (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴/۱۷۷) بلاذری نوشته که حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> نزد ابوبکر رفت و فرمود: «پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> فدک را به من بخشید، آن را به من برگردان». (بلاذری، ۱۹۵۷: ۱/۳۶-۳۵) وقتی ثابت شد حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> مطالبه ارث نداشت، بلکه مطالبه حق و مال خود را داشته‌اند، مقدمات استدلال آمدی که انبیاء ارث نمی‌گذارند رد می‌شود، و این نشان می‌دهد که آمدی نیاز به مطالعه کتب تاریخی دارد.

گویا آمدی دلیل عصمت حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> و اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> را تنها این آیه دانسته و رد کردن آن را ملازم با نفی عصمت گرفته، درحالی که ادله عقلی و نقلی دیگری برای

عصمت اهل بیت علیهم السلام موجود است. این آیه متواتر از فریقین است که اهل بیت شامل حضرت زهرا علیها السلام و پدر و همسر و فرزندانست.

طبق منابع موجود و مورد اعتماد شیعه و اهل سنت، آیه تطهیر در خانه ام سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، نازل شد، (علامه حلی، ۱۹۸۲م: ۱۷۴)

هنگام نزول، پیامبر، حضرت علی، حضرت فاطمه و حسنین علیهم السلام حاضر بودند. پیامبر پارچه‌ای خبیری (کساء) روی خود، حضرت علی، حضرت فاطمه و حسنین علیهم السلام کشید و دست‌ها را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: خدایا! اهل بیت من این‌ها هستند. اینان را از هر پلیدی پاک گردان. ام سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید آیا من نیز در شمار اهل بیت علیهم السلام قرار دارم، پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد تو از همسران رسول خدایی و تو بر خیر هستی. (ترمذی، ۱۳۹۵ق: ۵/ ۶۹۹؛ صدوق، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۰۳؛ طبری، ۱۴۲۳: ۵/ ۲۲)

## ۵. استفاده ادبی آمدی در استدلال

آمدی از تمامی لغات آیه فقط «الرجس» را در استدلال شیعه بیان می‌کند، در صورتی که مراد آیه که امتنان و انعام تمام است که همه نوع رجس و پلیدی از اهل بیت منتفی گردد.

### ۵. ۱. نقد ادبی بر آمدی

مفسران و متکلمان امامیه در استدلال به این آیه شریفه به مطالبی می‌پردازند:

۱. ادات حصر «اتما» اختصاص طهارت را فقط بر اهل بیت اثبات می‌کند؛
۲. اراده در «یرید» اراده تکوینی است، نه تشریحی، لذا امکان تخلف در آن نمی‌رود؛
۳. منظور از «اذهاب» دفع رجس است نه رفع آن، یعنی رجس و پلیدی از آن‌ها منصرف می‌شود نه اینکه برداشته شود؛
۴. منظور از اهل بیت اصحاب کساء هستند؛

۵. منظور از رجس نیز مطلق گناه و پلیدی است.

«آمدی» از تمامی کلمات فقط واژه «رجس» را آورده و از بقیه کلمات که شیعه از آن‌ها بهره می‌برد غافل شده است. فهم قرآن که به عربی نازل شده، نیازمند تسلط بر زبان و ادبیات عرب عصر نزول است و بررسی دقیق لغات، به درک مفهوم سخن، کمک شایانی می‌کند.

لغت‌شناسان «رجس» را به معنی پلیدی دانسته‌اند، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶/۵۲) راغب اصفهانی برای رجس چهار وجه می‌شمارد:

۱. چیزی که طبیعتاً ناپاک و پلید است؛
۲. چیزی که عقلاً ناپاک و پلید است؛
۳. آنچه که شرعاً ناپاک و پلید است؛
۴. از سه جهت مذکور پلید است، مثل مردار که از نظر شرع، عقل و طبع پلید و ناپاک می‌باشد.

زمخشری و اکثر مفسران تصریح می‌کنند که منظور از «رجس» در آیه، گناهان می‌باشد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۵۳۸) اگر دامنه «رجس» به این وسعت و گستردگی شد، آیا «آمدی» می‌پذیرد همه کسانی را که از اهل بیت می‌دانند این رجس از آن‌ها تطهیر شده است؟! چیزی که خودش تصریح می‌کند اجماع داریم عباس و همسران پیامبر معصوم نیستند.

## ۶. مصادیق اهل بیت

اصلی‌ترین و مهم‌ترین نقطه اتکاء آمدی در استدلالش، موضوع مصادیق اهل بیت است که طبق روایت ضحاک آن را شامل همه بستگان و همسران پیامبر ﷺ می‌شمارد.

## ۶. ۱. نقد مصادیق اهل بیت

درباره مصادیق‌های اهل بیت، در منابع شیعه و سنی، وجوه متعددی بیان شده، و آمدی وجهی را بر می‌گزیند که از همه ضعیف‌تر است.

۱. مراد از اهل بیت، حضرت علی، حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام باشد. انس بن مالک، ابوسعید خُدَری، ام سلمه و عایشه، به این نظر معتقدند. (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۶/۳۶۵؛ شوکانی: ۱۴۱۲: ۴/۳۲۱)

مفسران شیعه معتقدند آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء نازل شده و این مطلب در میان شیعیان متواتر است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۵۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۶/۳۱۱)

در چندین روایت در مسند احمد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مصداق آیه را فاطمه رضی‌الله‌عنها، علی رضی‌الله‌عنه و دو فرزندش بیان کرده است. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ۱/۳۳۱؛ ۴/۱۰۷؛ ۶/۲۹۲)

ابن حنبل روایت می‌کند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدت شش ماه هنگام خروج برای نماز صبح، خانه فاطمه رضی‌الله‌عنها را صدا می‌کرد: «ای اهل بیت! نماز! ای اهل بیت نماز! خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند». (ابن حنبل، ۱۴۳۰: ۲/۷۶۱)

۲. برخی منابع حدیثی شیعه، عنوان اهل بیت علیهم‌السلام را علاوه بر پنج تن، به دیگر امامان شیعه نیز تعمیم داده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۸۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۳۴)

ابن کثیر، در کتاب تفسیرش، روایتی از امام حسن رضی‌الله‌عنه آورده که وی بر منبر گفت: «ما آن اهل بیتی هستیم که خدا درباره‌شان این آیه را فرموده است».

همچنین روایتی از امام سجاد رضی‌الله‌عنه ذکر می‌کند که در پاسخ مرد شامی گفت: «ما مصداق این اهل بیتیم». (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶/۳۷۰)

۳. به باور برخی از اهل سنت، مراد از اهل بیت، همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند، زیرا سیاق آیه در بیان احوال ایشان است. از عِکْرَمَه غلام ابن عباس و مَقَاتِل بن سلیمان

احادیثی با این مضمون نقل شده است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۳۶۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۱)

اهل سنت به خلاف شیعه نظر یکسانی نداشته و معتقدند اهل بیت، اختصاص به خمسه طیبه ندارد، بلکه شامل همسران پیامبر ﷺ می شود.

استناد به آیه تطهیر برای عصمت امام در منابع شیعی امری مرسوم و متداول بوده، در نادرستی برداشت آمدی کافی است به متون معتبر اهل سنت درباره مصادیق اهل بیت توجه شود. (طوسی، ۱۳۸۲: ۲ / ۲۵۰؛ علم الهدی، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۳۳) حاکم نیشابوری در مستدرک این روایت را از عبدالله بن جعفر نقل می کند که گفت:

زمانی که رسول اکرم ﷺ متوجه شدند رحمتی در حال فرود آمدن است فرمودند: اهل بیت من علی، فاطمه، حسن و حسین [علیهم السلام] را بخوانید. زمانی که آمدند پیامبر کساء خود را بر روی آنها انداخت و دستها را بلند کرده و فرمود: خداوند اینان آل من هستند پس درود بر محمد و آلش فرست. خداوند متعال هم آیه تطهیر را فرستاد. مسلم در صحیح، حاکم در مستدرک، طبری و سیوطی و... از عایشه روایت کرده اند؛ حتی درباره جنس کساء گفته شده که از موی سیاه و خبیری بوده است. طبری و ابن کثیر در تفاسیر و ترمذی در «صحیح» و طحاوی در «مشکل الآثار» از نحوه نشستن اصحاب کساء سخن می گوید. به روایت ابی سعید خدری محل اجتماع خانه ام سلمه بوده و ام سلمه به پیامبر عرض می کند آیا من هم از اینان هستم؟ حضرت می فرمایند: نه. (عسکری، بی تا: ۳۷-۱۷)

اینها نمونه هایی از بیان مصادیق آیه تطهیر در کتب اهل سنت می باشد و جای سؤال است که سیف الدین آمدی این احادیث را دیده یا ندیده؟ اگر دیده چرا نقل نکرده و اگر ندیده نقد جدی تر وارد می باشد چگونه عالمی به این کتب معتبر دسترسی نداشته، زیرا او در کتاب «أبکار الأفكار» فقط روایت ضحاک را از تفسیر زادالمسیر فی تفسیر القرآن ابن جوزی نقل کرده، در حالی که در آن کتاب سه نظر درباره مصادیق اهل بیت نقل کرده است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳ / ۳۶۳-۳۶۲)

اندیشمندان امامیه علاوه بر بحث‌های روایی، شأن نزول و متون تاریخی از لغات آیه نیز بهره می‌برند. مثلاً از «انما» که ادات حصر است و دلالت بر حصر حکم تطهیر بر موضوع می‌کند، یعنی چیزی در این آیه برای اهل بیت ثابت است که دیگران از آن بی‌بهره هستند خدای متعال با این قید می‌خواهد اشخاصی را انتخاب کرده و تطهیر را بر آنان تطبیق دهد، همان‌گونه که در آیه ۴۲ سوره آل‌عمران طهارت را برای حضرت مریم به کار می‌برد.

## ۷. برداشت آمدی از حدیث ضحاک

آمدی از روایت ضحاک برداشت کرد که همه اقربا و بستگان پیامبر از اهل بیت هستند. این نقل دارای نقد می‌باشد.

### ۷.۱. نقد برداشت آمدی از حدیث ضحاک

آمدی برای اثبات مدعای خود به روایت ضحاک از کتاب «زاد المسیر» ابن جوزی استناد می‌کند. با مراجعه به این کتاب تفسیری، روشن می‌شود نویسنده سه قول درباره مصادیق اهل بیت آورده است:

۱. اهل بیت، همسران پیامبر هستند که در بیت حضرت هستند. به نقل از عکرمه؛
۲. اهل بیت مختص به پیامبر ﷺ و علی ﷺ و فاطمه ﷺ و حسن و حسین ﷺ به نقل از ابوسعید خدری، انس، عایشه و ام سلمه؛
۳. اهل بیت، اهل و بستگان رسول خدا ﷺ و همسرانش می‌باشد به نقل از ضحاک.

جای شگفتی است که ابن جوزی روایت به پنج تن آل‌عبا ﷺ را از قول ابی سعید خدری، عایشه، ام سلمه نقل کرده، ولی «آمدی» آن را بیان نکرده است.

و فی المراد بأهل البیت هاهنا ثلاثة أقوال: أحدها: أنهم نساء رسول الله صلی الله علیه و سلم، لأنهنَّ فی بیته، رواه سعید بن جبیر عن ابن عباس، و به قال عکرمه، وابن السائب، ومقاتل... والثانی: أنه خاصٌّ فی رسول الله صلی الله علیه و سلم وعلی و فاطمة والحسن والحسین رضوان الله علیهم، قاله أبو سعید



الخدیری، و روی عن أنس وعائشة وأم سلمة نحو ذلك، والثالث: أنهم أهل رسول الله صلى الله عليه وسلم وأزواجه، قاله الضحاك. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۳۶۳-۳۶۲)

ابن جوزی حدیث ام سلمه را از چهار طریق بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد این حدیث به دلیل کثرت طرقش صحیح می‌باشد. او پنج حدیث از ام سلمه، عایشه، واثله بن الاسقع، عمرو بن ابی سلمه و سعد بن ابی وقاص را به ترتیب اولویت به همراه اسناد و طرقش ذکر کرده و می‌نویسد:

الخلاصة: هو حدیث صحیح بمجموع طرقه وشواهد. وأصح متن وإسناد فی هذا الباب حدیث سعد ثم حدیث واثله ثم حدیث أم سلمة لطرقه الكثيرة ثم حدیث عائشة ثم حدیث عمر بن أبی سلمة. (همان)

این برخورد «آمدی» عالمانه و بی طرفانه نبوده و نشان از سوء استفاده و مصادره به مطلوب از کتاب ابن جوزی دارد.

نکته مهم این است ابن جوزی از ضحاك فقط عبارت «أنهم أهل رسول الله صلى الله عليه وسلم وأزواجه» را آورده و بقیه عبارتی که آمدی نقل کرده بدون سند و یا مصادره به مطلوب می‌باشد.

## ۸. نقد روشی آمدی

آمدی در کتاب «ابکار الافکار» دارای این پیش فرضی است که هیچ کس معصوم نیست. در بحث عصمت اهل بیت، پیش فرض محکم و قاطع وی، رد هرگونه عصمت برای اهل بیت پیامبر ﷺ است. آمدی حتی نسبت به عصمت پیامبران نظر داشته و آنان را معصوم نمی‌داند، وی این مطلب را بارها تصریح کرده است. (آمدی، ۱۴۲۳: ۵/۲۰۵ و ۴/۲۴۸؛ همان: ۱۴۷/۴) لذا نمی‌توان انتظار داشت او امام و اهل بیت را معصوم بداند، زیرا معتقد است وقتی پیامبر معصوم نیست، اگر اهل و آل او معصوم باشند مقام و منزلت بالاتری برای آن‌ها در نظر گرفته است، بر این اساس، وی این مطلب را نمی‌پذیرد و به صراحت آن را ذکر، و بر آن تأکید می‌کند که محال

است نائب نبی از او افضل باشد؛ «ومحال أن یکون نائب النبی أفضل منه». (همان: ۲۰۵/۵)

ابن حزم به نقل از ابوبکر باقلانی می گوید جایز است که انبیاء کافر باشند، (ابن-حزم، بی تا، ۲/۴) و آمدی در عصمت نبی، نظر قاضی ابوبکر را برمی-گزیند. (آمدی، ۱۴۲۳: ۲۰۷/۴) وقتی کسی چنین باوری درباره انبیاء دارد، این پیش فرض در رد عصمت اهل بیت تأثیر خواهد داشت.

برای عصمت امام و اهل بیت ادله نقلی و عقلی فراوانی در کتب کلامی شیعه وجود دارد، آمدی آنجا که ادله شیعه بر عصمت امام را می شمارد آیه «اولوا الامر» و «لاینال عهدی الظالمین» را می آورد، ولی آیه تطهیر را با اینکه در کتب قدما در عصمت استناد می شده است، نقل نمی کند. (همان: ۲۱۷/۵-۲۱۳)

### نتیجه:

آمدی در فضای روایات عامه رشد و نمو داشته و از متون شیعه بهره ای نبرده، لذا قضاوتش درباره اعتقادات شیعه نادرست است. او استدلال هایی به شیعه می دهد که در منابع آنان موجود نیست، در آیه تطهیر حصر با ادات «انما» و اختصاص، اراده تکوینی خداوند بر زدودن هر نوع پلیدی از اهل بیت علیهم السلام، عصمتشان را ثابت می کند. با عنایت به احادیث وارده در شأن نزول، آیه تطهیر منحصرأ شامل پنج تن آل عبا علیهم السلام بوده و مصادیق آیه همانانی اند که پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. فقط اهل بیت دارای عصمت می باشند، نه همسران و بستگان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله که در زندگی آن ها، خلاف ها و خطاهایی نقل شده است، در این صورت استدلال آمدی ناتمام خواهد بود. آمدی در «ابکار الافکار» آنجا که ادله عصمت امام از نگاه شیعه را می شمارد به آیه تطهیر که اصلی ترین دلیل است نمی پردازد، که نوعی تعصب یا عدم آگاهی به ادله شیعه را نشان می دهد.

آمدی غافل از آن بود که اراده در آیه، تکوینی است و تخلفی در آن صورت نمی پذیرد، ولی او افرادی را در شمول آیه قرار داده که قطعاً معصوم نبوده و با اراده تکوینی قابل جمع نیست. او معتقد است که نزد شیعه ادله عصمت اهل بیت کتاب

و سنت است، ولی آثار متکلمان و اندیشمندان شیعه ادله عقلی فراوانی مانند قاعده لطف، امکان اشرف، واسطه فیض، برهان تسلسل، نقض غرض و . . . ، برای عصمت آورده‌اند که مورد دقت آمدی قرار نگرفته است. در هندسه معرفتی آمدی توقع معصوم بودن امام و اهل بیت نمی‌رود، زیرا ایشان در موارد متعددی تصریح دارند که پیامبران هم معصوم نمی‌باشند، لذا با این نگرش، از آیه تطهیر عصمت غیر نبی قابل اثبات نیست، زیرا معتقد است با اثبات عصمت برای امام و اهل بیت، آن‌ها از نبی بالاتر می‌شوند و این مطلبی است که او محال می‌داند.

### منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۰۶)، الضعفاء و المتروکین، تصحیح: قاضی ابوالفداء عبدالله، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲)، زاد المسیر فی علم التفسیر، محقق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی‌تا)، الفصل فی الملل والأهواء والنحل، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۳۰)، کتاب فضائل الصحابه، تحقیق عباس، وصی الله بن محمد، قاهره: دار ابن الجوزی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶)، مسند أحمد بن حنبل، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- آمدی، علی بن محمد (۱۴۲۳)، ابکارالافکار فی اصول الدین، به کوشش احمد محمد المهدی، قاهره: دارالکتب.

- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ق)، سنن الترمذی، تحقیق احمد محمد شاکر و دیگران، مصر: مطبعة مصطفى البابی الحلبي.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، تجلی ولایت در آیه تطهیر، قم: نشر اسراء.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱)، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۲۶)، امام شناسی، مشهد: علامه طباطبایی.
- حسینی میلانی، سیدعلی (۱۴۲۱)، آیه التطهیر، قم: الحقائق.
- حسینی میلانی، سیدعلی (۱۳۷۲)، الامامه فی اهمّ الکتب الکلامیة، قم: الشریف الرضی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربیة.
- ذهبی، شمس الدین (۱۳۸۲ق)، میزان الاعتدال، بیروت: دار المعرفه للطباعة والنشر.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷)، دانشنامه کلام اسلامی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- شامی، احمد بن محمد (۱۴۰۰)، جنایة الاکوع علی ذخائر الهمدانی، بیروت: دارالنفائس.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹)، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴)، فتح القدير، دمشق: دار ابن کثیر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیة.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، احمد بن موسی (۱۴۰۳)، الاحتجاج، مشهد: نشر المرتضی.
- طبری، ابن جریر (۱۴۰۳)، تاریخ الطبری المعروف بتاريخ الامم والملوک، تحقیق گروهی از دانشوران، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری‌آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳)، دلائل الإمامة، قم: بنیاد بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲)، تلخیص الشافی، قم: محبین.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، شرف‌الدین (۱۳۹۰)، المراجعات، ترجمه میرزا ابوالفضل نجم‌آبادی، قم: مؤسسه آیت‌الله بروجردی.
- عسکری، سیدمرتضی (بی‌تا)، آیه التطهیر فی مصادر الفریقین، تهران، نشر مشعر.
- علامه‌حلی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲م)، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت: دار الکتب اللبنانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، منهاج الكرامه فی معرفة الامامة، مشهد مقدس: تاسوعا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۰۷)، الشافی فی الامامة، تهران: مؤسسه الصادقة.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۴)، آیه التطهیر رؤیه مبتکره، قم: مرکز فقه الاائمة الاطهار علیهم السلام.
- فخر رازی، امام فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۰۵)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دارالفکر.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم: مؤسسه دارالهجره.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶)، القاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی (ط-الإسلامیه)، تهران: اسلامیه.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۳۷۶)، المسلك فی اصول الدین، مشهد: آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الاسلامیه.
- مزى، يوسف بن عبدالرحمان (۱۴۰۶)، تهذيب الكمال فی اسماء الرجال، بیروت: بشار عواد معروف.
- مسعودی، ابی الحسن بن علی (۱۴۲۵)، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت: المكتبه العصریه.
- مكارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷)، تفسیر نمونه، تهران، مكتبه الاسلامیه.
- منتظری مقدم، محمود (۱۳۹۱)، منطق (۲)، قم: انتشارات مركز مدیریت حوزه علمیه قم.
- واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد (۱۴۱۵)، الوسيط فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۳۹۰ق)، لسان المیزان، محقق: دائرة المعارف النظامیه - الهند، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ذهبی، محمد بن احمد (بی تا)، العبر فی خبر من غیر، محقق علی مخطوطین، أبو هاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیه.